

بسم الله الرحمن الرحيم

جلسه هفتاد و هفتم 99 / 03 / 26

موضوع: بررسی ادله مشروعیت سنت (15) - بررسی «آیه 46 الحاقه» و «آیه 21 احزاب»

اعوذ بالله من الشيطان الرجيم بسم الله الرحمن الرحيم و به نستعين و هو خير ناصر و معين الحمد لله و الصلاة على رسول الله و على آله آل الله لاسيما على مولانا بقیة الله واللعن الدائم على اعدائهم اعداء الله إلى يوم لقاء الله.

به همه دوستان سلام عرض می‌کنیم و از حضورشان در کلاس مجازی تشکر می‌کنیم. در چند روز گذشته دو سه تا شبهه‌ای که مشهور شده بود را عرض کردیم و پاسخ دادیم.

در ادامه به اصل بحثی که قبل از تعطیلات کرونا داشتیم بر می‌گردیم و در چند روز باقی مانده همان بحث اصلی خودمان که "مشروعیت عمل به سنت" بود را مقداری بحث کنیم.

الان این شبهه، هم در داخل و هم خارج و هم در میان اهل سنت و هم در میان شیعه خیلی مطرح است که آنچه که برای ما مهم است، قرآن است.

الان بعضی از طلبه‌ها و حتی بعضی از اساتید می‌گویند فعلاً: «حسبنا کتاب الله»!! آنچه که برای ما مهم است کتاب خدا است و ما دلیلی بر مشروعیت سخنان پیغمبر نداریم!!

می‌گویند سخنان پیغمبر دست به دست گشته و به قدری تغییرات در سنت ایجاد شده که ما دیگر آن اعتمادی که باید به سنت داشته باشیم را نمی‌توانیم داشته باشیم؛ چون آن زمان این‌طور نبود که سخنان پیامبر را ضبط و پیاده کنند و یا فیلمبرداری کنند.

در آن زمان رسول اکرم و ائمه سخنانی را می‌فرمودند و آقایان سخنان ائمه را در منزل با املای خودشان می‌نوشتند، بعضی مطالب یادشان می‌رفت و فراموش می‌کردند و بعضی از مطالب را جابجا می‌کردند.

ما در این مورد به طور مفصل بحث کردیم و عرض کردیم بر این که این حرف، حرف بی‌اساس است. همان زمان هم افراد خیلی تند نویس بودند. سخنان رسول اکرم و ائمه را می‌نوشتند بعد به رسول اکرم و ائمه عرضه می‌کردند و برایشان قرائت می‌کردند.

ما این همه کتاب از ائمه (علیهم السلام) داریم. کتاب «فضل بن شاذان» را خدمت آقا امام عسکری (سلام الله علیه) می‌آوردند، می‌گویند «فضل بن شاذان» همچنین کتابی نوشته است؛ حضرت می‌گوید خوشا به حال «خراسانی»‌ها که همچنین آدمی دارند.

کتاب «یونس بن عبدالرحمن» و کتاب‌های دیگری را که می‌نوشتند، این کتاب‌ها را به ائمه (علیهم السلام) عرضه می‌کردند، اگر کتاب اشکالاتی داشت، ائمه اشکالاتش را بر طرف می‌کردند و اگر تغییراتی هم لازم بود، تغییرات را اعمال می‌کردند.

روایت مشهور «یونس بن عبدالرحمن» را ما خواندیم که گفت: من تمام «عراق» و «حجاز» را زیر پا گذاشتم و تمام روایاتی که شیعیان، از ائمه شنیده بودند را جمع کردم و خدمت آقا امام هشتم (سلام الله علیه) آوردم.

آقا امام هشتم تعداد زیادی از این روایات را انکار فرمودند و فرمودند این‌ها روایات ما نیست و آن‌هایی که بوده را تصحیح فرمودند.

بنابراین به این شکل نیست که این‌ها من در آوردی بگویند که چون چنین و چنان بوده و خوب ضبط نشده و... ما نمی‌توانیم به این روایات اعتماد کنیم! اضافه بر این که ما یک سری روایات املائی داریم که حضرت «أَمْلاً عَلَيْهِ» یعنی حضرت به راوی املا کرد؛ یعنی آهسته آهسته فرمود و راوی نوشت.

ما این همه مکاتبات از ائمه (علیهم السلام) داریم. یکی دو مورد نیست؛ از نبی مکرم این همه مکاتبات داریم، آقای «احمدی میانجی» (رضوان الله تعالی علیه) تمام مکاتبات رسول اکرم را در چند جلد جمع آوری کرده است.

این‌ها مشخص است بر این‌که این‌چنین نیست که ما بیایم فقط یک مطالبی را شعاری بگوییم که به مردم پای سخن پیغمبر یا ائمه (علیهم السلام) می‌نشستند و مطالبی را می‌شنیدند، به منزل می‌رفتند و خودشان می‌نوشتند و لذا مطالبی، کم یا زیاد می‌شد!!

اضافه بر این‌که ما مطالب زیادی در گذشته خواندیم که:

«کان جبریل ينزل على النبي بالسنة كما ينزل عليه بالقرآن»

جبرئیل، سنت را بر پیغمبر نازل می‌کرد همان طوری که قرآن را نازل می‌کرد!

«ويجمع ذلك كله وما ينطق عن الهوى»

فتح الباري شرح صحيح البخاري؛ اسم المؤلف: أحمد بن علي بن حجر أبو الفضل العسقلاني الشافعي الوفاة: 852 ، دار النشر: دار المعرفة - بيروت، تحقيق: محب الدين الخطيب، ج13،

ص291

ما این‌ها را به طور مفصل مطرح کردیم و تعدادی از آیات را هم آوردیم که همه این آیات بر مشروعیت سنت نبی مکرم دلالت می‌کند. مثل آیه:

(وَمَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ، إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَىٰ)

و هرگز از روی هوای نفس سخن نمی‌گوید! آنچه می‌گوید چیزی جز وحی که بر او نازل شده نیست!

سوره نجم (53): آیات 3 و 4

از مفسرین شیعه آوردیم که گفتند این آیه هم شامل قرآن است و هم شامل سنت است. اقوال مفسرین اهل سنت را آوردیم که گفتند این آیه شامل سنت و قرآن است. آیه:

(وَيَعْلَمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ)

و آنها را کتاب و حکمت بیاموزد

سوره بقره (2): آیه 129

را مطرح کردیم و گفتیم که در حقیقت می‌شود گفت هم احادیث اهل بیت و هم مفسرین شیعه و هم مفسرین اهل سنت تقریباً اجماع دارند که در این آیه مراد از «کتاب»، قرآن است و مراد از «حکمت»، سنت است. این‌ها کاملاً واضح و روشن است.

آیه سومی که مطرح کردیم آیه 7 سوره حشر بود:

(وَمَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا)

آنچه را رسول خدا برای شما آورده بگیرید (و اجرا کنید)، و از آنچه نهی کرده خودداری نمایید؛

سوره حشر (59): آیه 7

این‌ها را ما آوردیم. احادیث اهل بیت در تفسیر این آیه را مطرح و جمع‌بندی کردیم، سخنان مفسران شیعه را آوردیم و آراء مفسران و فقهاء را تا حدودی بحث کردیم بر این‌که فقهای ما به این آیه در ابواب مختلف فقهی استدلال کرده‌اند.

مثلاً «شیخ طوسی» در رابطه با بحث این‌که نماز چگونه باید خوانده شود، زکات چگونه باید داده شود، گفته است بر این‌که اینها به بیان پیغمبر محول شده، به دلیل آیه شریفه:

(وَمَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ)

آنچه را رسول خدا برای شما آورده بگیرید (و اجرا کنید)

سوره حشر (59): آیه 7

و همچنین در جاهای دیگر مرحوم «طبرسی» به همین شکل عبارتی داشت، «قطب الدین راوندی» همین تعبیر را داشت.

در رابطه با کیفیت «نماز استسقاء»، «نماز استخاره»، «نماز میت» و امثال این‌ها را ما به طور مفصل قبل از تعطیلی کرونا خواندیم بر این‌که نشان می‌دهد که سنت رسول اکرم، با قرآن هیچ تفاوتی ندارد؛ فقط در قرآن تحدی آمده و قطعی الصدور است؛ ولی در روایات ائمه (علیهم السلام) یا احادیث النبى، تحدی در آن نیست!

و همچنین در قرآن ما احتیاج به بررسی سندی و تشخیص آیه صحیح از ضعیف نداریم؛ ولی در احادیث، خودشان فرمودند بر این‌که احادیثی که از ما به شما می‌رسد:

« إِذَا حَدَّثْتُمْ بِحَدِيثٍ فَأَسْنِدُوهُ إِلَى الَّذِي حَدَّثْتُمْ فَإِنْ كَانَ حَقًّا فَلَكُمْ وَ إِنْ كَانَ كَذِبًا فَعَلَيْهِ.»

الكافي (ط - الإسلامية)، نویسنده: کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، محقق / مصحح: غفاری
علی اکبر و آخوندی، محمد، ناشر: دار الکتب الاسلامیة، ج 1، ص 52، بَابُ رَوَايَةِ الْكُتُبِ وَ الْحَدِيثِ وَ
فَضْلِ الْكِتَابَةِ وَ التَّمَسُّكِ بِالْكِتَابِ، ح 7

فرمود: سند روایت را ذکر کنید و بررسی سندی کنید. ائمه (علیهم السلام) راویانی که به دروغ از ائمه مطالبی نقل می‌کردند را معرفی و مفتضح کردند؛ راویانی که صادق و مورد اعتماد ائمه بودند، این‌ها را برای مردم معرفی کردند که این دسته از روات مطالبی که از ما نقل می‌کنند هر چه این‌ها می‌گویند کلام این‌ها، کلام ما است. مثلاً فرمود:

«الْعَمْرِيُّ وَ ابْنُهُ ثِقَتَانِ فَمَا أَذْيَا إِلَيْكَ عَنِّي فَعَنِّي يُؤَدِّيَانِ»

الكافي (ط - الإسلامية)، نویسنده: کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، محقق / مصحح: غفاری
علی اکبر و آخوندی، محمد، ناشر: دار الکتب الاسلامیة، ج 1، ص 330، بَابُ فِي تَسْمِيَةِ مَنْ رَأَهُ، ح 1

امثال این قضایا را به طور مفصل داشتیم. ما همچنین اقوال مفسران اهل سنت را تقریباً تا حدودی گفتیم ولی بحث‌مان ناقص ماند. آقایان می‌گویند:

(وَمَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ)

آنچه را رسول خدا برای شما آورده بگیرید (و اجرا کنید)

سوره حشر (59): آیه 7

اول در مورد غنائم جنگی نازل شد، بعد در جمیع دین کاربرد پیدا کرد. «ماوردی شافعی» به همین شکل ایشان تعبیر می‌کند. «سمعانی» از بزرگان اهل سنت است می‌گوید مراد از این آیه، کل فرمایشات پیغمبر است، چه قرآن باشد و چه سنت.

«قرطبی» که تقریباً می‌شود گفت از عمده مفسرین قرن 6 و 7 هجری است و تفسیرش، خلاصه‌ای از تفاسیر 6 قرن اول اسلام است، از «ماوردی» نقل می‌کند:

«محمول علی العموم فی جمیع أوامره ونواهیہ... والآیة وإن کانت فی الغنائم فجمیع أوامره صلی الله علیه وسلم ونواهیہ دخل فیها»

الجامع لأحكام القرآن؛ اسم المؤلف: أبو عبد الله محمد بن أحمد الأنصاري القرطبي الوفاة: 671، دار النشر: دار الشعب - القاهرة، ج 18، ص 17

«ابن کثیر دمشقی» هم به همین شکل می‌گوید. «البقاعی ابراهیم ابن عمر» متوفای 855 می‌گوید:

«لا ینطق عن الهوی ولا یقول ولا یفعل إلا ما أمره به الله ربه»

هر چه که پیغمبر نطق می‌کند و کاری انجام می‌دهد، تمام این‌ها دستورات خدای عالم است.

«فمن قبل ذلك هانت عليه الأمور»

هر کس این مطلب را قبول کند مشکلات برای او حل است.

نظم الدرر فی تناسب الآیات والسور؛ اسم المؤلف: برهان الدین أبي الحسن إبراهيم بن عمر البقاعي الوفاة: 855 هـ دار النشر: دار الكتب العلمية - بيروت - 1415 هـ - 1995 م، تحقیق: عبد الرزاق غالب

المهدي، ج 7، ص 523

«شهاب الدین شافی» می‌گوید:

«ولا تتفهموا في افعاله واقواله غير الحق»

در افعال و اقوال پیغمبر جز حق چیزی به ذهن شما نیاید.

«آلوسی» که سلفی العقیده است، ایشان از «زمخشری» و دیگران مطرح می‌کند، می‌گوید تمام مأمورات و دستورات رسول اکرم در این آیه جمع است.

«علیمی مقدسی مجیرالدین» هم می‌گوید این آیه در امر «فئی» و «غنائم» نازل شده بعد در جمیع اوامر پیغمبر توسعه پیدا کرده.

«طنطاوی» که از مفسرین معاصر ما است و ایشان مدتی رئیس «الأزهر» بوده می‌گوید:

«والمقصود به هنا ما جاءهم به الرسول (صلی الله علیه وسلم) من هدايات وتشريعات، وآداب»

التفسير الوسيط للقرآن الكريم؛ المؤلف: محمد سيد طنطاوي، الناشر: دار نهضة مصر للطباعة والنشر

والتوزيع، الفجالة - القاهرة، الطبعة: الأولى؛ ج 14 ص 295

آیه دیگری که در این جا مطرح است آیه شریفه:

(وَلَوْ تَقَوَّلَ عَلَيْنَا بَعْضَ الْأَقَاوِيلِ، لَأَخَذْنَا مِنْهُ بِالْيَمِينِ، لَأَخَذْنَا مِنْهُ بِالْيَمِينِ)

اگر او سخنی دروغ بر ما می‌بست، ما او را با قدرت می‌گرفتیم، سپس رگ قلبش را قطع می‌کردیم

سوره الحاقه (69): آیات 44 و 45 و 46

است. می‌فرماید: اگر چنانچه پیغمبر، سخنی به دروغ بر ما بگوید

(لَأَخَذْنَا مِنْهُ بِالْيَمِينِ)

مراد از «یمین» یعنی ما او را نابودش می‌کنیم و از بین می‌بریم!

ثُمَّ لَقَطَعْنَا مِنْهُ الْوَتِينَ

سپس رگ قلبش را قطع می‌کردیم

سوره الحاقه (69): آیه 46

یعنی این طوری نیست که پیغمبر را (نستجیر بالله) فرستادیم خدای نکرده ایشان یک حرفی بخواهد علیه ما بزند. عبارت؛

وَلَوْ تَقَوَّلَ عَلَيْنَا بَعْضَ الْأَقَاوِيلِ

درست است به ظاهرش بحث قرآنی است؛ ولی آیه دلالت می‌کند بر این که منظور «بِكُلِّ مَا تَقَوَّلَ عَلَيْنَا» است. یعنی کل گفتاری که از لب پیغمبر بیرون می‌آید، همه این‌ها از ناحیه ما است. حتی ما روایت و عبارتی از اهل سنت خواندیم که حتی شوخی‌های پیغمبر هم مشمول وحی الهی است.

حضرت شوخی‌هایی می‌کند که برای ما مشروعیت داشته باشد؛ چون قول و فعل پیغمبر برای ما حجت است. مفسران شیعه در این‌جا به صورت مفصل مطالبی را مطرح کردند.

مرحوم «شیخ طوسی» می‌گوید:

«ولو تقول علينا بعض الأقاويل) اخبار من الله تعالى على وجه القسم أن هذا الرسول الذي حكى بأن القرآن نزل عليه من عند الله وهو محمد (صلى الله عليه وآله) لو تقول على الله في بعض كلامه، ومعناه لو كذب علينا في بعض ما لم يؤمر به، فالتقول تكلف القول من غير رجوع إلى حق»

التبيان في تفسير القرآن؛ المؤلف: الطوسي، محمد بن الحسن (المتوفى 460ق)، تحقيق وتصحيح: أحمد حبيب قصير العاملي، ناشر: مكتب الإعلام الإسلامي، الطبعة: الأولى، 1409 هـ. ج 10، ص

البته ایشان عمدتاً این‌ها را روی قرآن پیاده می‌کند. مرحوم «طبرسی» هم به همین شکل می‌فرماید اگر بعضی از اقوالی که به او نگفته‌ایم بخواید از ناحیه نفس خودش بیان کند:

«لَأَخَذْنَا مِنْهُ بِالْيَمِينِ أَي لَأَخَذْنَا بِيَدِهِ الَّتِي هِيَ الْيَمِينِ عَلَى وَجْهِ الإِذْلَالِ»

مراد از «یمین» یعنی دست ذلت او را می‌گیریم. اشاره به این‌که مثلاً از جایگاه خودش بیرون می‌اندازیم. همان طوری که سلطان می‌گوید:

«يا غلام خذ بيده فأخذها إهانة»

مجمع البيان في تفسير القرآن؛ تأليف: أمين السلام أبي علي الفضل بن الحسن الطبرسي حقه وعلق عليه: لجنة من العلماء والمحققين الأخصائيين، قدم له: السيد محسن الأمين العاملي، منشورات مؤسسة الأعلمي للمطبوعات، بيروت - لبنان؛ ج 10، ص 114

این مسائل به طور مفصل می‌آید تا مرحوم «طباطبائی» در «المیزان» هم به همین شکل می‌آید می‌گوید این‌ها کاملاً نشان می‌دهد بر این‌که اقوال پیغمبر (صلی الله علیه وآله وسلم) همه از ناحیه خدای عالم است. و همچنین برخی دیگر در ذیل این آیه دارند که:

«أن الرسول لم يكن مأذوناً لبيان أي كلام في مجال التشريع ولم يسمح له أن يشترع من تلقاء نفسه بما يشاء»

اختصاص الشيعة في التمسك بالقرآن الكريم، الشيخ حسين غيب غلامي الهرساوي، مركز الأبحاث العقائدية، الطبعة الأولى - سنة 1422 هـ - ص 20

این‌که پیامبر از ناحیه خودش یک شریعتی بیاورد و چیزی را به عنوان مشروع بشمارد، نبی مکرم همچنین اختیاری ندارد، تمام آن‌چه را که از شریعت بیان می‌کند، چه نماز و کیفیت نماز باشد، و چه روزه و کیفیت روزه باشد، هیچ کدام از این‌ها از ناحیه خود رسول نیست.

بعضی از مفسران اهل سنت آمدند «لو تقول علينا» را فقط به قرآن اختصاص دادند؛ ولی بعضی از بزرگان شان مثل «طنطاوی» که یک آدم خیلی توانمندی است می‌گوید:

«والأقوال: جمع أقوال، الذي هو جمع قول، فهو جمع الجمع. أي: ولو أن محمدا صلى الله عليه وسلم افتري علينا بعض الأقوال، أو نسب إلينا قولاً لم نقله، أو لم نأذن له في قوله. لو أنه فعل شيئاً من ذلك على سبيل الفرض»

التفسير الوسيط للقرآن الكريم؛ المؤلف: محمد سيد طنطاوي، الناشر: دار نهضة مصر للطباعة والنشر والتوزيع، الفجالة - القاهرة، الطبعة: الأولى؛ ج 15 ص 85

می‌گوید بر فرض محال، اگر پیغمبر همچین چیزی را بیان بکند همه این‌ها نشان می‌دهد که از ناحیه خدای عالم است. هیچ چیزی را از ناحیه خودش انجام نمی‌دهد.

«محمود محمد مزروعه» از علمای بزرگ اهل سنت است می‌گوید:

«ومن الآيات التي تقطع بأن السنة وحي من عند الله - تعالى - وأن الرسول - صلى الله عليه وسلم - لا ينطق فيما يتصل بالتشريع إلا بما يوحى الله - تعالى - إليه، قوله - سبحانه - في شأن رسوله - صلى الله عليه وسلم: { وَلَوْ تَقَوَّلَ عَلَيْنَا بَعْضُ الْأَقَاوِيلِ { لَأَخَذْنَا مِنْهُ بِالْيَمِينِ } { ثُمَّ لَقَطَعْنَا مِنْهُ الْوَتِينَ } { فَمَا مِنْكُمْ مِنْ أَحَدٍ عَنْهُ حَاجِزِينَ } (الحاقة: 44-47).»

این کاملاً مشخص است بر این‌که آقایان که آمدند کلمه: (وَلَوْ تَقَوَّلَ عَلَيْنَا بَعْضُ الْأَقَاوِيلِ) که به تعبیر «طنطاوی»، جمع الجمع است؛ یعنی هر قولی را پیغمبر بدون اتصال به وحی بخواهد بیان کند خدای عالم او را تهدید کرده است.

«فهذه الآيات تدل بوضوح شديد على أن الرسول - صلى الله عليه وسلم - لا يقول شيئاً - فيما يتصل بالدين - إلا بما يوحى إليه الله به - وكذلك لا يفعل»

شبهات القرآنیین حول السنة النبویة؛ المؤلف: محمود محمد مزروعة، الناشر: مجمع الملك فهد

لطباعة المصحف الشريف بالمدينة المنورة؛ ج 1، ص 11

رسول اکرم نه کاری را انجام می‌دهد و نه سخنی را بیان می‌کند. ایشان هم به طور مفصل در این‌جا این مسئله را مطرح می‌کند.

من این فایل را در این ماه رمضان یک مقدار فرصت داشتیم، مقداری بالا و پایین کردم، تلخیص کردم و بعضی از مطالب زائدش را حذف کردم. ان شاء الله این را در سایت قرار می‌دهیم تا عزیزان داشته باشند.

آیات در این زمینه زیاد است؛ ما به همین آیات اکتفاء می‌کنیم؛ در بعضی از آیات هم ما داریم که رفتار و گفتار پیغمبر را به عنوان حجت شرعی برای مؤمنین و مسلمان‌ها مطرح می‌کند. این دیگر بحث قرآن نیست، بلکه حجیت رفتار نبی مکرم را بیان می‌کند. آیه 21 سوره احزاب:

(لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ)

مسلمای برای شما در زندگی رسول خدا سرمشق نیکویی بود

سوره احزاب (33): آیه 21

می‌فرماید: پیغمبر برای شما اسوه و الگوی شایسته است؛ «أسوه» مطلق است، هم شامل گفتار می‌شود، هم رفتار و هم شامل تقریر می‌شود.

اگر کسی پیش پیغمبر سخنی بگوید و کاری انجام دهد و این سخن و این کار او، خلاف شرع باشد، پیغمبر «فله البیان»؛ باید بیان کند ولی اگر بیانی نکرد، تقریر پیغمبر هم برای ما حجت است.

مرحوم «شیخ طوسی» می‌گوید:

«هذا خطاب من الله تعالى للمكلفين، يقول لهم: ان لكم معاشر المكلفين " في رسول الله أسوة

حسنة " أي اقتداء حسن، في جميع ما يقوله و يفعله»

در تمام آنچه که می‌گویند و در تمام کارهای که انجام می‌دهد، شما مکلف هستید پیغمبر را الگو برای خودتان قرار دهید.

«متی فعلتم مثله کان ذلك حسنا»

آنچه که پیغمبر انجام می‌دهد شما انجام دهید این کار، کار خوبی است.

بعد می‌گویند:

«وذلك يدل على أن الاقتداء بجميع افعال النبي صلى الله عليه وآله حسن جائز إلا ما قام الدليل على خلافه»

تمام افعال پیغمبر برای مسلمان‌ها حجت و جایز است الا ما دلیلی بر خلافش داشته باشیم.

التبيان في تفسير القرآن؛ المؤلف: الطوسي، محمد بن الحسن (المتوفى 460ق)، تحقيق وتصحيح:

أحمد حبيب قصير العاملي، ناشر: مكتب الإعلام الإسلامي، الطبعة: الأولى، 1409 هـ. ج 8، ص 328

البته اگر یک چیزی از مختصات رسول اکرم باشد، آن بحثش جداست. مثل ازدواج بیش از 4 زن دائم و مسائل دیگر، یا عقد بدون مهر و امثال این‌ها چند موردی است که از مختصات نبی مکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) است.

مادامی که ما دلیلی نداریم که یک عملی از مختصات پیغمبر است، در تمام این موارد، ما موظف هستیم از نبی مکرم تبعیت کنیم.

مرحوم «طبرسی» همین‌طور می‌گویند:

« معاشر المكلفين (في رسول الله أسوة حسنة) أي : قدوة سالحة»

ای مؤمنین، پیامبر نمونه صالحی برای شما است

«فلان أسوة أي: لي به اقتداء»

ایشان می‌گوید:

« والأسوة من الاتساء، كما أن القدوة من الاقتداء اسم وضع موضع المصدر»

این‌ها اسمی است که در حقیقت به جای مصدر آمده!

مجمع البيان في تفسير القرآن؛ الطبرسي، الفضل بن الحسن (المتوفى 548ق)، تحقيق: لجنة من العلماء والمحققين الأخصائيين، ناشر: مؤسسة الأعلمي للطبوعات - بيروت، الطبعة الأولى،

1415هـ - 1995م. ج 8، ص 144

یعنی شما در تمام کارهایی که پیغمبر انجام می‌دهد، شما می‌توانید انجام دهید و مساوی و برابر هستید، یا می‌توانید در تمام مسائل به او اقتداء کنید.

«ابن شهرآشوب مازندرانی» این آیه را همراه با:

«وقوله (وَاتَّبِعُوهُ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ) يدلان على وجوب الاقتداء بالنبي (ص) في جميع أفعاله إلا ما

خص به»

می‌آورد بعد می‌گوید:

«هذه الآية دليل لنا لأنها توجب التأسي»

بر ما واجب است تأسی و تبعیت کنیم و آنچه را که پیغمبر انجام می‌دهد عین آن‌چه که او انجام می‌دهد ما انجام بدهیم.

متشابه القرآن ومختلفه؛ المازندراني، محمد علی بن شهرآشوب، (المتوفى 588هـ)، ناشر: چاپخانه

شرکت سهامی طبع کتاب، سال چاپ : 1328، ج 2، ص 155

«ابن ادريس حلی» نوه دختری «شیخ طوسی» (رضوان الله تعالى علیه) می‌گوید:

«يدلّ على أنّ الاقتداء بجميع أفعال النبي (صلى الله عليه وآله وسلم) حسن جائز، إلا ما قام الدليل على خلافه»

المنتخب من تفسير القرآن والنكت المستخرجة من كتاب التبيان (موسوعة ابن إدريس الحلبي)؛ الحلبي، ابن إدريس (متوفى 598ق)، تحقيق: السيد مهدي الرجائي، إشراف: السيد محمود المرعشي، ناشر: مكتبة آية الله العظمى المرعشي النجفي العامة، ج3، ص 18

«سیدحیدر عاملی» که از شعرای مشهور بوده و اشعار زیادی در رابطه با حضرت امیر بیان کرده؛ ایشان هم به همین شکل می‌گویند این آیه نشان می‌دهد بر این‌که پیغمبر اکرم اسوه، قدوه، نمونه و الگو برای ما هستند، ما باید تاسی و تبعیت کنیم از آن چه که رسول اکرم (صلى الله عليه وآله وسلم) انجام می‌دهد. مرحوم «فیض کاشانی» می‌گوید:

«لقد كان لكم في رسول الله أسوة حسنة (في أفعاله وأخلاقه)»

پیغمبر هم در افعالش و هم در اخلاقش برای ما الگو و اسوه هست.

التفسير الصافي؛ الفيض الكاشاني، محمد محسن (المتوفى 1091ق)، تحقيق: صححه وقدم له وعلق عليه العلامة الشيخ حسين الأعلمي، چاپ: الثانية، ناشر: مكتبة الصدر - طهران، چاپخانه: مؤسسة الهادي - قم المقدسة، سال چاپ: رمضان 1416 - 1374 ش، ج4، ص180

حتی اخلاق پیغمبر با زن و بچه‌اش، اخلاق و برخوردش با فرزندان، برخوردش با همسایه‌ها و برخوردش با دشمنان، برخوردش با دوستان، همه می‌تواند الگو برای ما باشد.

پیغمبر در بعضی از موارد غضبناک می‌شد این برای ما حجت است که ما هم در آن طور موارد باید غضبناک شویم؛ یعنی آن طوری نشود اگر یک فردی کار نادرستی انجام داد، ما از کنارش به سادگی رد بشویم و فقط به امر به معروفی اکتفا نکنیم.

تمام اخلاق پیغمبر چه در مسائل خانوادگی، چه در مسائل اجتماعی، چه با دوستان، چه با دشمنان، چه با مخالفان، در تمام این‌ها پیغمبر برای ما اسوه هستند.

مرحوم آیت‌الله العظمی «بروجردی» در کتاب «تفسیر الصراط المستقیم» می‌گوید این آیه دلالت می‌کند:

«علی حجیة قوله وفعله وتقریره»

قول، فعل و تقریر پیغمبر برای ما حجت است.

تفسیر الصراط المستقیم؛ البروجردی، السید حسین (متوفای 1340ق)، تحقیق: صححه وعلق علیه

الشیخ غلامرضا بن علی أكبر مولانا البروجردی، ناشر: مؤسسة أنصاربان للطباعة والنشر، چاپخانه:

الصدر - قم، سال چاپ: 1416 - 1995 م، ج5، ص381

مرحوم «طباطبائی» هم همین‌طور می‌گوید. این آیه نشان می‌دهد بر این‌که این قضیه برای ما یک تکلیف ثابت و مستمر است؛ یعنی چیزی نیست که فقط و فقط در یک مورد خاص و در یک زمان و مقطع معینی ما باید به پیغمبر تأسی کنیم. در تمام حالات الی قیام قیامت تأسی به پیغمبر در قول و فعل، برای ما حجت است.

مرحوم «سید مرتضی علم الهدی» هم به همین شکل می‌گوید که پیغمبر در جمیع احوالش برای ما حجت است بعد می‌گوید:

«وقد يجوز أن يستدل على ذلك بقوله تعالى: (لقد كان لكم في رسول الله أسوة حسنة) وبقوله

تعالى: (فاتبعوه)».

الذريعة (أصول فقه) - الشریف المرتضی، تحقیق تصحیح و تقدیم و تعلیق: أبو القاسم گرجی،

چاپخانه: دانشگاه تهران، ج2، ص576

مرحوم «شیخ طوسی» در یک بحث دیگری به طور مفصل می‌گوید:

«فجميع افعاله سواء في انه يتأسى به الا ما استثنى»

تمام افعال پیغمبر برای ما یکسان است. در این که باید از او تأسی و تبعیت و اقتداء کنیم الا آن موارد استثنائی.

«وما قدمناه يدل على صحة ذلك وقوله لقد كان في رسول الله أسوة حسنة»

حالا مِنْ قَوْلٍ باشد یا فَعَلٍ باشد. در ادامه یک عبارتی را از خلیفه دوم عمر نقل می‌کند که آمد «حجر الأسود» را بوسید و برگشت گفت:

«اعلم انك حجر لا تضر ولا تنفع»

تو یک سنگی هستی به کسی نه ضرر می‌رسانی و نه نفعی می‌رسانی!

عقیده‌اش این بود و بیش از این به قولی ایمانی نبود، بعد گفت:

«ولولا اني رأيت رسول الله قبلك ما قبلتك»

اگر من ندیده بودم که پیغمبر تو را می‌بوسد من تو را نمی‌بوسیدم!

العدة في أصول الفقه (عدة الأصول) (ط.ق)؛ الشيخ الطوسي تحقيق: محمد مهدي نجف، ناشر:

مؤسسة آل البيت (ع) للطباعة والنشر، ج 3 ص 54

یا روایتی است که از «ام السلمه» سوال کردند آیا در حالت روزه، انسان می‌تواند همسرش را ببوسد؟ جواب داد:

« أَنْ رَسُولَ اللَّهِ يُقْبَلُ وَهُوَ صَائِمٌ »

موطأ الإمام مالك، اسم المؤلف: مالك بن أنس أبو عبدالله الأصبحي، دار النشر: دار إحياء التراث

العربي - مصر، تحقيق: محمد فؤاد عبد الباقي؛ ج 1، ص 291، ح 641

البته ما از این عبارتها از «عایشه» الی ماشاء الله داریم؛ یک سری مسائلی را بیان می‌کند که انسان خجالت می‌کشد آن‌ها را بیان بکند.

به طور مثال یکی از چیزهای که در «صحیح بخاری» آمده و دیگران نیز آورده‌اند این است که اگر کسی با همسرش نزدیکی کند ولی انزال منی نشود چه صورت دارد؟ شاید بیش از پنجاه، شصت روایت از «عایشه» در این زمینه نقل کردند.

عایشه برگشت در جواب گفت: بله پیغمبر آن زمانی که پیر بود (نستجیر بالله) معذرت می‌خواهم، نعوظی نداشت با من نزدیکی می‌کرد و انزال هم نمی‌شد؛ ولی هر دوی ما می‌رفتیم غسل می‌کردیم. فلان کار را پیغمبر می‌کرد این چنین بود...

یا از «عایشه» سوال می‌کنند غسل چطوری است؟ خودش می‌آمد عملاً غسل کردن را نشان می‌داد. حالا به قول آقایان توجیح می‌کنند که آن کسی که آنجا بوده محرمش بوده، سر و سمت راست و سمت چپ را غسل می‌کرده و می‌گفت غسل جنابت یا غسل‌های دیگر این طوری است. ما از این طور مطالب و از این مباحث مخصوصاً در کتب اهل سنت الی ماشاء الله داریم.

همچنین مرحوم «سید مرتضی» دارد:

«أنا إنما أمرنا باتباعه في الأفعال الواجبات والمندوبات دون المباحات»

ایشان می‌گویند: به مباحات ما می‌توانیم عمل بکنیم و می‌توانیم عمل هم نکنیم؛ ولی در واجبات و مستحبات ما مأمور هستیم از او تبعیت کنیم.

ایشان مثال می‌زند و می‌گویند:

«والنكاح مباح جار مجرى الأكل والشرب اللذين لم نؤمر باتباعه فيهما»

الناصریات؛ المرتضی علم الهدی، علی بن الحسین بن موسی (متوفای 436هـ)، تحقیق: مرکز
البحوث والدراسات العلمية، ناشر : رابطه الثقافة والعلاقات الإسلامية مديرية الترجمة والنشر،
چاپخانه : مؤسسة الهدی، سال چاپ : 1417 - 1997 م، ص 327

مثلا در بحث نکاح، اگر یک کسی تمایلی به ازدواج کردن ندارد، می تواند ازدواج نکند. البته این مثالی
است که مرحوم «سید مرتضی» زده و طرف می داند اگر هم ازدواج نکند به حرام نمی افتد.

همه اینها نشان می دهد بر این که در واجبات و مستحبات ما مأمور هستیم از پیامبر تبعیت بکنیم، البته
تبعیت در واجبات و در محرمات بحث امری و نهی است و الزامی است و در مندوبات و مکروهات امر و
نهی غیر الزامی است به آن مباحثی که ما داریم. در هر صورت آنچه که نبی مکرم انجام می دهد تمامی
اینها برای ما حجت است.

مرحوم «سید عبدالاعلی سبزواری» که از فقهای معاصر ما هستند و در سال 1414 از دنیا رفتند. همان
نزدیک رحلت امام (رضوان الله تعالی علیه) و آقای «خوئی» هستند؛ کتابی به نام «مذهب الأحكام» دارد که
حدود 20-25 جلد است ایشان هم در آن جا دارد:

«استحباب التأسی بالأنبياء والأوصياء والصلحاء»

در آخرش می گوید:

«وقوله تعالى: (لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ)»

مذهب الأحكام في بيان الحلال والحرام - السيد عبد الأعلى السبزواري (وفات 1414)، ناشر: مکتب

آية الله العظمى السيد السبزواري (قده)، ج 4، ص 209

اهل سنت هم به همین شکل دارند. به طور مثال «سمرقندی» همین تعبیر را دارد:

«لقد كان لكم اقتداء بالنبي صلى الله عليه وسلم قدوة حسنة وسنة صالحة»

تفسير السمرقندي المسمى بحر العلوم؛ اسم المؤلف: نصر بن محمد بن أحمد أبو الليث السمرقندي
الوفاة: 367، دار النشر: دار الفكر - بيروت، تحقيق: د.محمود مطرجي، ج3، ص 49

«ابن حزم اندلسي» دارد:

«وقال تعالى (لقد كان لكم في رسول الله أسوة حسنة) فقد جعل تعالى لنا أن نأتسي بفعله عليه
السلام»

ما موظف هستيم طبق اين آيه بر قول پيغمبر تأسى كنيم!

النبذة الكافية في أحكام أصول الدين (النبد في أصول الفقه)؛ اسم المؤلف: علي بن أحمد بن سعيد
بن حزم الظاهري أبو محمد الوفاة: 456، دار النشر: دار الكتب العلمية - بيروت - 1405، الطبعة :
الأولى ، تحقيق : محمد أحمد عبد العزيز، ج1، ص 46

آقای «ابو محمد ابن حزم اندلسی» ایشان هم به طور مفصل بحث کرده، در رابطه با سلام پیغمبر، دو
رکعتی، سه رکعتی، قیام، رکوع، سجود و ... می گوید تمام اینها:

« كل ما ذكرها هنا فبوحى من الله تعالى فعله وكل من قدر ولم يشك في أنه قد أتم صلاته...»

الفصل في الملل والأهواء والنحل؛ اسم المؤلف: علي بن أحمد بن سعيد بن حزم الظاهري أبو محمد
الوفاة: 548، دار النشر: مكتبة الخانجي - القاهرة ج 4، ص 19

تمام آن چه را که از نبی مکرم صادر شده در کیفیت نماز، کیفیت روزه، کیفیت حج، کیفیت زکات و تمام این
مسائل، همه و همه مشمول این آیه شریفه می شود که:

(لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ)

مسلمانا برای شما در زندگی رسول خدا سرمشق نیکویی بود!

سوره احزاب (33): آیه 21

(أُولَئِكَ الَّذِينَ هَدَى اللَّهُ فَبِهِدَاهُمْ افْتَدِهْ)

آنها کسانی هستند که خداوند هدایتشان کرده؛ پس به هدایت آنان اقتدا کن!

سوره انعام (6): آیه 90

رسول اکرم هم، به سیره انبیاء گذشته خود مکلف بودند؛ چون شرایع، یکنواخت است از حضرت آدم گرفته تا رسول اکرم همه شرایع یکنواخت بودند حالا تغییراتی دارد، بعضی نسخ و ... دارد ولی هدایت‌هایی که برای انبیاء گذشته بوده خدای عالم به خود پیغمبر می‌گوید:

(فَبِهِدَاهُمْ افْتَدِهْ)

پس به هدایت آنان اقتدا کن!

سوره انعام (6): آیه 90

همچنین «قاضی عیاض» که از متکلمین بزرگ اهل سنت است می‌گوید:

«وجوب اتباعه وامتنال سنته والإقتداء بهديه»

الشفاه بتعريف حقوق المصطفى؛ العلامة القاضي أبي الفضل عياض اليحصبي 544 هـ، مذيلا بالحاشية المسماة: مزيل الخفاء عن ألفاظ الشفاء، للعلامة أحمد بن محمد بن محمد الشمني 873 هـ، دار الفكر للطباعة والنشر والتوزيع؛ ج 2، ص 8

طبق این آیه شریفه:

(لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ)

مسلمای برای شما در زندگی رسول خدا سرمشق نیکویی بود!

سوره احزاب (33): آیه 21

لازم است که به سنت پیامبر اقتدا شود و از هدایت ایشان بهره مند شد.

«ابن کثیر دمشقی» می‌گوید:

«هذه الآية الكريمة أصل كبير في التأسي برسول الله صلى الله عليه وسلم في أقواله وأفعاله وأحواله»

تفسیر القرآن العظیم؛ اسم المؤلف: إسماعيل بن عمر بن كثير الدمشقي أبو الفداء الوفاة: 774، دار

النشر: دار الفكر - بيروت - 1401، ج 3، ص 475

«ثعالبي» و «صالحی شامی» به همین شکل؛ یعنی شما به هر کدام از آقایان مراجعه بکنید می‌بینید بر

این که یکی از آیاتی که بر حجیت سنت پیغمبر دلالت می‌کند - حالا این سنت، سنت قولی، فعلی یا اخلاقی

باشد - این آیه شریفه است:

(لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ)

مسلماً برای شما در زندگی رسول خدا سرمشق نیکویی بود!

سوره احزاب (33): آیه 21

بعد ما یک بحث دیگری این‌جا باز کردیم با عنوان «اقتداء عملی اهل بیت به سنت رسول الله»؛ همان

حدیث شریف ثقلین که پیغمبر فرمود:

« وَأَنَا تَارِكٌ فِيكُمْ تَقْلِينَ أَوْلَهُمَا كِتَابُ اللَّهِ فِيهِ الْهُدَى وَالنُّورُ فَخُذُوا بِكِتَابِ اللَّهِ وَاسْتَمْسِكُوا بِهِ فَحَثُّ

عَلَى كِتَابِ اللَّهِ وَرَعْبٌ فِيهِ ثُمَّ قَالَ وَأَهْلُ بَيْتِي أَدَّكُمْ اللَّهُ فِي أَهْلِ بَيْتِي أَدَّكُمْ اللَّهُ فِي أَهْلِ بَيْتِي

أَدَّكُمْ اللَّهُ فِي أَهْلِ بَيْتِي»

صحيح مسلم، اسم المؤلف: مسلم بن الحجاج أبو الحسين القشيري النيسابوري، دار النشر: دار

إحياء التراث العربي - بيروت، تحقيق: محمد فؤاد عبد الباقي؛ ج 4، ص 1873، ح 2408

البته این آقایان در کنار «حدیث ثقلین» «کتاب الله و سنتی» آورده‌اند:

«إني قد تركت فيكم شيئين لن تضلوا بعدهما كتاب الله وسنتي ولن يتفرقا حتى يردا علي الحوض»

المستدرک علی الصحیحین؛ اسم المؤلف: محمد بن عبدالله أبو عبدالله الحاكم النيسابوري الوفاة:

405 هـ دار النشر: دار الكتب العلمية - بيروت - 1411هـ - 1990م ، الطبعة : الأولى، تحقيق :

مصطفى عبد القادر عطا، ج1، ص172، ح 319

این را در جلسه بعد ان شاء الله به طور مفصل توضیح خواهم داد، بر این که خود ائمه (علیهم السلام) چیزی جز سنت پیغمبر نداشتند. هر آن چه که ائمه (علیهم السلام) بیان می کردند، در حقیقت حدیث و کلام پیغمبر بود؛

«حَدِيثُ أَبِي وَ حَدِيثُ أَبِي حَدِيثُ جَدِّي وَ حَدِيثُ جَدِّي حَدِيثُ الْحُسَيْنِ وَ حَدِيثُ الْحُسَيْنِ حَدِيثُ الْحَسَنِ وَ حَدِيثُ الْحَسَنِ حَدِيثُ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَ حَدِيثُ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ حَدِيثُ رَسُولِ اللَّهِ وَ حَدِيثُ رَسُولِ اللَّهِ قَوْلُ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ.»

الكافي (ط - الإسلامية)، نویسنده: کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، محقق/ مصحح: غفاری

علی اکبر و آخوندی، محمد، ناشر: دار الكتب الاسلامیة، ج1، ص53، بَابُ رِوَايَةِ الْكُتُبِ وَ الْحَدِيثِ وَ

فَضْلِ الْكِتَابَةِ وَ التَّمَسُّكِ بِالْكِتَابِ، ح14

یعنی کل آن چه که از ائمه برای ما صادر شده، چه قوی، چه فعلی، چه اخلاقی، تمامی این ها برگرفته از سنت رسول اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) است.

ما به همین اندازه اکتفا می کنیم؛ چون یک بحث جدیدی است اگر بخواهیم باز کنیم یک مقداری ناقص می ماند.

همان طوری که قبلا عرض کردم، حال من هنوز خیلی مساعد نیست. ضعف عمومی کاملا بر من غالب است، من دو مرتبه رفتم تست دادم، جواب تست جدیدمان دیروز آمد شکر خدای عالم مشکلی نیست؛

چون من يك مقداری احساس ضعف و بدن لرزه می‌کردم، و احساس خستگی مفرط داشتم، رفتم و آزمایش دادم.

ما يك مقداری به خودمان شك کردیم، لذا هفته گذشته رفتیم انواع و اقسام آزمایش‌ها را دادیم، شکر خدای عالم دیروز جواب آزمایش‌ها آمد، الحمدلله آثاری از کرونا تا الان به طرف ما نیامده است.

امیدواریم که همه شما و همه ما و همه خانواده‌های ما و همه مسلمان‌ها و حتی برای دیگر کشورها ما آرزو می‌کنیم خدای عالم این بلای ناگهانی کرونا را بر طرف کند و مردم گرفتار این بلای خانمانسوز نشوند.

امروز صبح بود من دیدم در بعضی از شهرها مخصوصاً در قسمت‌های جنوبی مثل «آبادان» و... دیگر فوق قرمز است؛ لذا برای آن‌ها هم دعا کنیم و این مسائل بهداشتی را که آقایان توصیه می‌کنند رعایت کنیم و دست‌هایمان را روز چند مرتبه بشوییم تا گرفتار این بلا نشویم.

الان که الحمدلله مواد بهداشتی در تمام داروخانه‌ها وجود دارد، در تمام سوپر مارکت‌ها است، دست‌مان را که به فلزات می‌زنیم و یا در ماشین‌های عمومی سوار می‌شویم و دست‌مان را به دستگیره‌ها می‌زنیم، بلا فاصله دست‌مان را ضد عفونی کنیم و یا بشویم.

تلاش کنیم با لباس‌های که بیرون می‌رویم آن‌ها را داخل خانه نیاوریم آن‌ها را در حیاط و یا در بهار خواب يك جایی بیندازیم تا به آن‌ها آفتاب بخورد. می‌گویند به مجرد که آفتاب به لباس بخورد، کرونا از بین می‌رود.

با کفش وارد اطاق نشویم، کفش را در حیاط و در يك گوشه‌ای جلوی تابش آفتاب قرار بدهیم، این چیزهای است که آقایان توصیه کرده‌اند این‌ها را رعایت کنیم؛ ولی با همه این حال عرض کردم آماری که برای ما داده‌اند باعث تأسف است.

البته این آمار برای يك ماه قبل است؛ ما دویست و بیست نفر از روحانیون و اساتیدمان در سطح کشور در اثر کرونا از دار دنیا رفته‌اند و از میان ما رفته‌اند، بعضی از این‌ها از اساتید فرزانه‌ی حوزه بودند که متأسفانه دیگر در بین ما نیستند.

الان اگر دوستان سوال و فرمایشی دارند من در خدمت عزیزان هستم.

پرسش:

نظرتان در رابطه با «آقا میری» چه است؟

پاسخ:

در رابطه با آقای «آقا میری»! ما حرف‌های «آقا میری» را حرف‌های باطل می‌دانیم و ایشان یک آدم کاملاً منحرف است و دنبال تشکیک میان جوان‌ها است.

من چند تا از کلیپ‌های ایشان را دیدم حتی من از جناب آقای «ابو القاسمی» درخواست کرده بودم یک برنامه مناظره با ایشان بگذارند؛ گرچه جناب آقای دکتر «رفیعی» که از منبری‌های مشهور است یک کلیپی را صحبت کرده و علیه ایشان پخش کرده است.

کلیپ خوبی است من هم دیدم، شاید بهتر از آن هم می‌شد گفت، دیشب دیدم بعضی از دوستان برای من پیام داده بودند که آقای «ابو القاسمی» می‌خواهد با ایشان مناظره کند؛ ولی جناب آقای دکتر «رفیعی» در مناظره تجربه آن‌چنانی ندارد.

این «آقا میری» آدم خیلی شلوغ و مغلظه کاری است، توصیه کرده بودند اگر بشود با جناب آقای دکتر «رفیعی» ما صحبت کنیم که ایشان تناقضات ایشان را بیان بکند.

وقتی تناقضات ایشان بیان شد، این آقا رسوا می‌شود. بحث‌های علمی هیچ فایده‌ای ندارد، ایشان ده تا روایت را می‌بیند در یک روایت ضعیفی که معلوم نیست سنداً هم صحیح است این باباً اصلاً معلوم نیست

«علم رجال» هم بلد باشد یا نه؛ بعد یک روایتی در کنار این‌ها می‌بیند شروع به مسخره می‌کند. یک سری هستند خریدار این‌طور مطالب هستند.

پرسش:

خوب است که سال آینده به همین منوال باشد یعنی کلاس به صورت مجازی باشد.

پاسخ:

یعنی شما نمی‌خواهید از کنار زن و بچه بیرون بیایید؟! الحمد لله خدای عالم محبت زن و بچه را بیشتر در دل شما قرار داده؛ آن‌هایی که اتاق خلوتی دارند و سر و صدا نیست روش خوبی است؛ ولی حضرت امیر (سلام الله علیه) فرمودند:

« الْعِلْمُ لَا يَحْضُلُ إِلَّا بِخَمْسَةِ أَشْيَاءَ : أَوَّلُهَا بِكَثْرَةِ السُّؤَالِ ، وَالثَّانِي بِكَثْرَةِ الْإِسْتِعَالِ ، وَالثَّلَاثُ بِتَطْهِيرِ

الْأَفْعَالِ ، وَالرَّابِعُ بِخِدْمَةِ الرَّجَالِ ، وَالخَامِسُ بِاسْتِعَانَةِ ذِي الْجَلَالِ »

موسوعة العقائد الإسلامية؛ محمد الرّيشهري؛ بمساعدة رضا برنجكار و عبد الهادي المسعودي؛

تحقيق: مركز بحوث دار الحديث قم، 1425 ق؛ ج2، ص 281، ح 2383؛ به نقل از المواعظ

العددية، ص 264

یکی از شرایط تحصیل علم، «خدمة الرجال» هست. بحث‌های چهره به چهره تأثیری دارد که بحث‌های نرم افزاری ندارد؛ و لذا وقتی انسان حضوری می‌آید، انسان استاد را می‌بیند استاد شاگرد را می‌بیند؛ بعضی وقت‌ها مطالبی در لابه‌لا به ذهن آدم می‌آید می‌خواهد سوال بکند و ... این خوب است.

لذا من صد تا از این بحث‌ها را با یک بحث حضوری عوض نمی‌کنم، این بحث‌ها تقریباً شبیه بحث‌های نواری است و درس‌های نواری انسان را به جای نمی‌رساند.

پرسش:

در ظهور آیه مورد بحث، اختلاف است که آیا حسنه بودن دلیل بر چیست؟

پاسخ:

(لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ)

مسلمانان برای شما در زندگی رسول خدا سرمشق نیکویی بود!

سوره احزاب (33): آیه 21

«اسوه حسنه» هر چه می‌خواهد باشد فرقی ندارد. این حسنه، اگر در واجبات باشد «حسنه واجبه» است. در محرمات باشد «شیئ محرمه»، در مکروهات و هر چه باشد.

وقتی خدای عالم می‌گوید پیغمبر برای شما الگو است و الگوی خوبی هم است، این نشان می‌دهد بر این که این طوری نیست که فقط سخن پیغمبر در قرآن برای ما حجت باشد، سخن غیر قرآنی پیغمبر هم برای ما حجت است، با توجه به توضیحاتی که داده شد.

پرسش:

از کجا صحت کتب روایی مشابه «فضل بن شاذان» را تشخیص دهیم؟

پاسخ:

کتاب‌هایی که به ائمه عرضه شدند این‌ها با سندهای صحیح برای ما رسیده، وقتی با سند صحیح رسید دیگر ما شبهه‌ای نداریم.

و اضافه این موارد هم در حد مستفیض و فوق مستفیض است. وقتی ما سه چهار مورد می‌بینیم کتاب‌ها به ائمه (علیهم السلام) عرضه می‌شود، برای ما اطمینان عقلانی می‌آید بر این که، این قضیه در عصر ائمه (علیهم السلام) جاری بوده و هیچ مشکلی نداشته است.

پرسش:

درباره وضعیت کشور نظر حضرتعالی چیست؟

پاسخ:

ما در سابق گلایه می‌کردیم مجلسی‌ها چنین و چنان هستند، حالا مجلسی‌ها در اختیار دوستان تابع ولایت فقیه قرار گرفتند، همه‌شان افرادی هستند دغدغه خدمت به مسلمان‌ها و مردم را دارند ببینیم این آقایان چه کار می‌خواهند بکنند!

جناب آقای «رئیی» را خدا خیرشان بدهد، دقت‌هایی داشت و کارهای انجام داد، دانه درشت‌های خیلی کمی یعنی از صد مورد سه، چهار مورد قدرت حیدری را عملی کردند.

امیدواریم بعد از این بهتر بتوانند این کار را بکنند. حالا که مجلس هم با این‌ها است بتوانند دانه درشت‌ها و ... و آن اموالی که ناحق در اختیار افراد قرار گرفته این‌ها را برگردانند.

خدا ان شاء الله همه عزیزان و بزرگواران را موفق بدارد.

«والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته»